

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهيم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Idiological

اعتقادی

تتبع و نگارش:

امین الدین (سعیدی)

مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان

و مسؤول مرکز کلتوری د حق لاره- جرمنی

بسم الله الرحمن الرحيم

## بختي پيرامون نماز بزبان افغانی

خواننده محترم در این اواخر برای دیمکراتیزه کرده دین؟! برخی از روشنفکران افغانی ما تحلیل هائی را در پیش گرفته اند که میخواهند در جمله سایر فعالیت های فرهنگی؟! نماز مردم مسلمان افغانستان را نیز بر شرایط دیموکراتیک؟! برابر نموده و آنرا به اصطلاح از عربیت بیرون کشیده و به زبانهای افغانی در کشور مروج سازند. برای روشن شدن این امر که آیا نماز بزبان افغانی جواز دارد؟ یا خیر! تحلیل ذیل را حضور خوانندگان محترم تقدیم میدارم.

از خداوند متعال برای خود و شما کسانی که در جست و جو حق و راستی اند توفیق مزید جهت فهم درست از اسلام و فهم درست از مفاهیم دیموکراسی را از بارگاه ایزد متعال استدعا دارم. امین

### صلوة یا « نماز »:

کلمه « صلاة » ( نماز ) اصلاً عربی بوده، یکی از ارکان عمده و اساسی و پنج گانه اسلام است که ادای آن بالای هر مسلمان عاقل و دارای شرایط در یک شبانه روز پنج وقت فرض است. ( نماز فجر، نماز ظهر، نماز عصر، نماز مغرب و نماز عشا ).

« معنای لغوی « صلاة » را با ذکر ریشه آن میتوان چنین تعریف کرد:

«صلاه»: در اصل، رابطه متقابل برای نزدیکتر شدن دو طرف به هم است و یا توجه و انعطاف در مقابل کسی را صلوة گویند.

صلوة در اسلام همان عبادت بزرگی است که در رأس عبادات در دین اسلام قرار گرفته است، که خداوند می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْفُوتًا» و چون نماز را به جای آورید خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرמידه یاد کنید. پس چون آسوده خاطر شدید نماز را [به طور کامل] بر پا دارید، زیرا نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است.»

## اصطلاح نماز

معنای لغوی «صلاة» در عربی، به معنی «فراخواندن» است. اصطلاح «نماز یا لمونخ» اکثراً در کشور عزیز ما افغانستان و کشور هائی چون پاکستان، ایران، هندوستان، بنگلادیش، ترکیه کردستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی در سایر کشورها برای اصطلاح نماز اصطلاح عربی نماز همان «صلاة» را بکار می‌برند.

کلمه نماز به معنای خم شدن و سرفروآوری برای ستایش و احترام است. ( فرهنگ معین )

## آمادگی برای نماز

بر اساس هدایات قرآن کریم، درجایی که در آن نماز بجا آورده میشود، باید پاک باشد. لباس نمازگزار نیز باید پاک و عورت انسان باید پوشانده باشد. نمازگزار پیش از نماز می‌بایست وضو، غسل، یا تیمم کرده باشد. نمازگزار، رو به قبله بایستد و اذان و اقامه بگوید و پس از آن وارد نماز شود.

## مقام و منزلت نماز

نماز در همه ادیان ابراهیمی وجود داشته. و یکی از بهترین وسایل جهت تقرب به ذات الهی محسوب میشود. به صراحت تام حکم کرده میتوانیم که: نماز از جمله کهن ترین عبادت است که از آغاز خلقت انسان وجود داشته، اگرچه چگونگی ادای آن در هر زمان مختلف و متفاوت بوده است.

هیچ دین و شریعتی بدون نماز نبوده است طوریکه قرآن عظیم نشان در مورد می‌فرماید: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» پروردگارا مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر» و یا در این آیه به حضرت اسماعیل خداوند چنین می‌گوید: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود.»

نماز نیاز بندگان، نشان ایمان و شکوه انسان است. نماز خلوت عاشقان صفوت عارفان و سلوک سالکان است، همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ اتِّدَانُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ وَالَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ مَالَ اللَّهِ سَلَامًا فَلَيْسَ لَهُمْ جُنَاحٌ عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید قطعاً باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان [این] سه هنگام برهنگی شماسست نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نکنید] خداوند آیات [خود] را این‌گونه برای شما بیان می‌کند و خدا دانای سنجیده‌کار است.» .

یاد خدا مایه آرامش دل‌ها، نماز یاد خدا است، نماز سبب رستگاری و مواظبت بر نمازها را می‌توان در آیات قرآن جست و جو کرد و دانست که نماز مایه رستگاری بشریت است: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» و کسانی که بر نمازشان مداومت می‌ورزند» و «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.».

## نماز و انبیاء علیهم السلام

### آدم علیه السلام و نماز:

مفسرین قرآن عظیم الشان در تفسیر آیه « فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ » می‌فرمایند که حضرت آدم از جمله اولین انسان‌ها از نوع بشر بود که از جانب پروردگار مأمور به ادای نماز شد .

ولی اینکه چگونگی و به چه شکل و چه شرایط و عدد رکعات و اوقات آن به چه ترتیب بود روایات موثوق در دست نیست. آنچه اهمیت دارد این است که آدم برای بجا آوردن نماز مکلف و مسوول بوده و شرعیت وی همراه با حکم نماز بود.

### ادریس علیه السلام و نماز:

ادریس علیه السلام پدر کلان نوح علیه السلام با عبادت نماز آشنا بوده، و نماز را بجای آورد.

### نوح علیه السلام و نماز:

روایات اسلامی تأکید میدارد که پروردگار بزرگ از نوح و همه انبیاء پیمان گرفت که: از پروردگاری یک تا اطاعت جویند و از شرک دوری گزینند، و نیز خدای مهربان

حضرت نوح را به نماز و امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حلال و حرام دعوت کرد.

## ابراهیم علیه السلام و نماز:

حضرت ابراهیم علیه السلام و قهرمان توحید، پدر انبیاء، حلیم، صالح، مخلص، موحد و بینای ملك و ملکوت یاد می شود. به فرمان پروردگار، هاجر و فرزند شیرخواره اش اسماعیل را از شهر شام حرکت داد و به دلالت پروردگار راه پیمود تا به جایگاه کعبه رسید. پس آن طفل شیرخوار و مادرش را بنام به خواست پروردگار در آن سرزمین بی آب و علف با مختصری طعام و پیمانۀ ای از آب پیاده کرد!! سپس از همسر مهربان خداحافظی کرد و اراده بازگشت نمود. در این وقت هاجر دامن ابراهیم را گرفت و عرضه داشت: چرا می روی و به کجا خواهی رفت؟ ما را در این دشت مخوف و زمین بی آب و علف به که وامی گذاری؟

ابراهیم علیه السلام التماس هاجر را نادیده گرفت و با آرامشی خاص به هاجر گفت: اینکه تو و این طفل گرسنه را در این بیابان می گذارم.

« رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ ». ( ابراهیم : ۳۷ )

پروردگارا! من زن و فرزند خود را در بیابانی خشک و سوزان در کنار خانه تو قرار دادم. پروردگارا! برای این که نماز به پای دارند.

ابراهیم بزرگوار یکی از پیامبران الهی به نقل از قرآن مجید درخواستهای بسیار مهمی از حضرت حق داشت. خداوند مهربان تمام دعاهای ابراهیم (ع) را اجابت فرمود، که از جمله درخواستهای آن مرد بزرگ یکی این بود:

( رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِي . ( ابراهیم : ۴۰ )

پروردگارا! من و فرزندانم را به پا دارنده نماز قرار ده و درخواست مرا به پیشگاه لطف و عنایت بپذیر.

## اسماعیل (علیه السلام) و نماز:

کتاب الهی در باره حضرت اسماعیل می فرماید:

« وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا \* وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا » ( سوره - مریم : ۵۴ - ۵۵ . )

«اسماعیل را به یاد آر که دارای اوصاف پسندیده بود: وفادار به پیمان، فرستاده حق، خبر دهنده از حقایق، و امر کننده زن و فرزند به نماز و زکات، و بنده ای بود که خداوند در تمام برنامه ها از او خشنود بود.»

## اسحاق و یعقوب و انبیای از ذریه ابراهیم و نماز

قرآن کریم عظیم الشان میفرماید:

« وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ \* وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ »

( انبیا : ۷۲ - ۷۳ ) .

«ما به ابراهیم ، اسحاق و فرزندانش یعقوب را عطاء کردیم و همه را صالح و شایسته و لایق مقام نبوت قرار دادیم ، و آنان را به پیشوایی خلق برگزیدیم تا مردم را به امر ما هدایت کنند ، و هر کار نیکو از انواع عبادات و خیرات مخصوصاً اقامه نماز و ادای زکات را به آنان وحی کردیم ، و اینان برای ما بندگان سر به فرمان بودند. »

### شعیب علیه السلام و نماز:

مردم مدین مردمی آغشته به فساد، یاغی و طاغی و متجاوز به حقوق حق و خلق بودند. پروردگار با عظمت ما حضرت شعیب (ع) را در میان آنان مبعوث به رسالت فرمود، تا آنان را از گمراهی و ضلالت نجات دهد. قرآن عظیم الشان میفرماید :

« وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْفُسُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَيْكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ \* وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ \* بَقِيَتْ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ( هود : ۸۴ - ۸۶ ) .

« برای هدایت و راهنمایی مردم مدین برادرشان شعیب را فرستادیم . او به مردم مدین از جانب حضرت حق چنین گفت : ای جامعه ! خدای جهان آفرین را بپرستید ، زیرا جز او خدایی نیست ، و آنچه را به وسیله پیمانانه و ترازو به مردم می فروشید از آن کم مگذارید. من خیر شما را به شما نشان می دهم . چرا می خواهید از راه تقلب و خیانت به ثروت خود بیفزایید ؟ من شما را از عذاب روز فراگیر می ترسانم ، های ای ملت ! پیمانانه را پر بدهید ، جنس ترازویی را بدون کم گذاشتن به مشتری ارائه کنید ، و از گناه و تجاوز به حق مردم دست بردارید. »

مردم مدین ! بی تردید آنچه خداوند در سایه مقرراتش بر شما حلال دانسته به بنفع شماست اگر اهل ایمان هستید. من قدرت بازداشتن شما را از تجاوز ندارم ، وظیفه من تبلیغ برنامه های خداست و بس.

تعالیم شعیب ضامن خیر دنیا و آخرت مردم بود ، ولی جامعه مدین در برابر شعیب و دلسوزیهای او موضع سختی گرفتند و نخواستند هدایت حق را بپذیرند و دست از هوا و هوس و شهوت و دنیاپرستی بردارند . و عجیب اینجاست که تمام برنامه ها و تعالیم آن بزرگمرد الهی را نتیجه نماز شعیب می دانستند و به این معنا علم داشتند که نماز ، باز دارنده نمازگزار از هر فحشاء و منکری است . آنان به شعیب گفتند:

« قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَكِيمُ الرَّشِيدُ » .- هود ( ۱۱ ) : ۸۷.

ای شعیب ! ما در پرستش معبودهای پدران خود ثابت قدمیم و در برنامه های مالی خود آزاد ، و از هر راهی که بخواهیم ثروت به چنگ می آوریم و به هر صورت که اراده کنیم می فروشیم.

ای شعیب ! به نظر ما آنچه تو را تحریک کرده که ما را از آیین نیاکانمان برگردانی و مسیر خرید و فروش ما را عوض کنی نماز توست . به راستی تعجب آور است که با ما سر ستیز داری در حالی که ما تو را مرد بردبار و درستی می دانیم.

آری ! نماز رشد دهنده و هدایتگر و بازدارنده از فحشاء و منکرات و فساد بود، اما مردم شهوت پرست مدین نمی خواستند در چنین حصن حصینی داخل شوند و دایره حیات را با این دژ محکم و حصار مستحکم از شرّ شیاطین و خطرات مصون و محفوظ بدارند.

### موسی علیه السلام و نماز:

حضرت موسی کلیم الله از جمله انبیای اولوالعزم بشمار میرود : قرآن عظیم الشان میفرماید : زمانیکه حضرت موسی ، در مسیر مدین و مصر به وادی سینا و منطقه طور رسید ، صدای پروردگار با عظمت را میشوند :

« يَا مُوسَى \* إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ».

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى \* إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي.

ای موسی ! من پروردگار تو هستم، بوت های خویش را از پای خود بیرون کن ( : از همه چیز جز من قطع علاقه نما ) ، چون هم اکنون در وادی مقدسی.

من تو را به مقام شامخ رسالت برگزیده ام، بنابراین به آنچه به تو وحی می شود گوش فرا ده:

منم خدای یکتا ، خدایی که جز من نیست ، پس مرا اطاعت کن و در مسیر عبادت من قرار گیر و نماز را به خاطر یاد من به پای دار.

آری ! نماز که همراه با شرایط ظاهری و باطنی اقامه شود یاد حضرت محبوب را در دل زنده می سازد و حاکمیت آن یاد را در اعمال و اخلاق می گستراند و امنیتی همه جانبه در قلب ایجاد می کند به طوری که انسان از شرّ شیاطین در مصونیت الهی می رود و از برکت آن امنیت ، سعادت دنیا و آخرت آدمی تضمین می شود.

### لقمان و نماز:

لقمان حکمیم به پسر خویش میگفت : « يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ » ( يقمان : ۱۷ ) .

ای پسرکم! نماز را به پای دار و در جامعه اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر حوادث بردبار و صبور باش، که تحمل و صبر در راه ارشاد مردم نشانه ای از عزم ثابت مردم بلند همت است.

### داوود علیه السلام و نماز:

در تاریخ اسلامی و روایت اسلامی آمده است که: داوود علیه السلام در منزل خویش محرابهایی متعددی داشت و میخواست تا در هر گنج از خانه خویش به یاد پروردگار مشغول گردد.

داوود علیه السلام اوقات روزانه خویش را به چهار مرحله تقسیم کرده بود: ساعتی را برای حلّ مشکلات مردم، ساعتی را برای زن و فرزندش، ساعتی را برای دعاء و مناجات در دل کوهها و کنار دریاها، و ساعتی را برای انس با محبوب در خلوت منزل و در کنار محراب عبادت.

### سلیمان علیه السلام و نماز:

روایت اسلامی است که: که سلیمان علیه السلام در حالیکه از آبله قف دست خود امرار معاش میگردد ولی او شبها به پیشگاه پروردگار خویش می ایستاد، در حالی که چشم های پر از اشک بود، په عبادت پروردگار مشغول بود.

علمای اسلام در تفسیر آیات ۳۰ تا ۳۳ **سوره ص** متمایل به این معنی شده اند که سلیمان در بازدید از اسبهای آماده برای جنگ از نماز عصرش غافل شد و به وقت غروب آفتاب متوجه از دست رفتن نماز گشت و به این خاطر به غم و غصه شدیدی دچار آمد.

آن گاه خداوند قادر آفتاب را برای او برگرداند تا نماز عصرش را در ظرف معین وقتش بجای آورد!

### یونس علیه السلام و نماز:

پیام و دعوت یونس علیه السلام همیشه بر پایه یکتاپرستی استوار بود، و مردم را از شرک کفر و گناه منع میفرمود. ولی بعضی از مردم در برابر تعالیم الهی او تکبر ورزیدند و با وی به مخالفت برخاستند تا جایی که آن حضرت را از هدایت خود ناامید ساختند. در نهایت حضرت یونس علیه السلام جهت نابودی قوم **نینوا** نفرین نمود و سپس آنان را رها کرده و به جایی رفت که مردم به او دسترسی نداشته باشند.

چون به منطقه بازگشت زندگی مردم را عادی یافت، معلوم شد جامعه نینوا به پیشگاه حق برگشته و عذاب را با قدرت و قوت توبه از خود دور کرده اند.

پس، با خشم و غضب منطقه را ترک کرد و چنانکه می دانید از میان امواج دریا در شکم ماهی جای گرفت. خداوند علت نجاتش را از آن زندان مهلك چنین بیان می فرماید:

« قُلُوبًا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ \* لَلْبَتِّ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ».

پس اگر او اهل تسبیح نبود، هر آینه تا قیامت در شکم ماهی مانده بود.

در مجمع البیان از قول مفسر بزرگ قتاده آمده است که منظور از تسبیح و ستایش یونس نماز بود).

## زکریا (ع) و نماز:

قرآن مجید در باب نماز زکریا می فرماید:

« هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ \* فَدَاوُدُ وَالْمَلَايِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَوَسِيدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنْ. »

در آن هنگام که زکریا عنایات حق را نسبت به مریم مشاهده کرد ، عرض داشت : پروردگارا ! مرا از لطف خویش فرزندی پاک سرشت عطاء فرما ، همانا تو اجابت کننده خواهسته بندگان.

زکریا در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود فرشتگان به او بشارت دادند که همانا خداوند ترا به ولادت یحیی مژده می دهد ، فرزندی که به پیامبری عیسی گواهی خواهد داد و خود نیز در راه هدایت مردم پیشوا و پارساست و نزد پیامبری از شایستگان است.

## عیسی علیه السلام و نماز:

داستان عیسی (ع) و مادرش مریم که دارای مقام عصمت و طهارت بود، از عجایب مسائل روزگار است.

پروردگار با عظمت ما برای نشان دادن قدرت خود، و برای عبرت دیگران و در جهت هدایت امتها به طور مکرر به واقعه عظیمه این پسر و مادرش در قرآن مجید اشارات داشته است.

از عجایب حیات عیسی سخن گفتن او در گهواره پس از ساعاتی چند از ولادت است که در آن گفتار، حقایق الهیه را برای مردم بازگو کرد و به خصوص به این معنایشاره فرمود که من مأمور به نماز:

« قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ اتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا \* وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَمَا كُنْتُ وَآوَصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا \* وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا \* وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا » ( - مریم ( ۳۰ - ۳۳ ) )

عیسی(ع) در گهواره گفت: همانا من بنده خدایم ، به من کتاب آسمانی عنایت شده و به شرف نبوت آراسته ام و هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت. من تا زنده ام دستو دارم نماز را به پای دارم و زکات مال بپردازم. من مأمورم به مادر نیکی کنم و از شقاوت دورم. سلام حق بر من روزی که به دنیا آمدم و روزی که می میرم و روزی که در قیامت مبعوث می شوم.

## محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و نماز:

مسائلی که در باب نماز در دین مقدس اسلام بیان یافته است در هیچ دین آسمانی به این عظمت ذکر نیافته است.



نماز در دین مقدس اسلام حقیقتی جامع و واقعیتی کامل است که در پرتو آن انسان به آداب الهی مؤدب می شود و طریق رشد و کمال و عرفان و طریقت و عشق و حقیقت را می پیماید.

نماز در دین مقدس اسلام دارای چنان عظمت است که اگر با شرایط مخصوص به خودش انجام بگیرد، انسان را تا مقام قرب و وصال محبوب ابدی پرواز می دهد.

## فرضیت نماز:

فرضیت نماز بر اساس حکم آیه متبرکه که: «واقیموا الصلاة» (بر پادارید نماز را با تمام حقوق آن) و آیه «ان الصلاة کانت علی المومنین کتاباً موقوتاً» (النساء: ۱۰۳) (همانا نماز بر مؤمنان در وقتش، فرض کرده شده) ثابت گردیده است.

حدیث: «لا سهم فی الا سلام لمن لا صلاة له» (سلام نیست در اسلام برای کسیکه نماز نمیخواند)

نماز عبادت نیست که پیامبر صلی الله علیه و سلم و اصحاب کرام آنرا از آغاز بعثت اداء می نمودند. البته تعیین پنج وقت برای ادای نماز بعد از شب معراج تثبیت و فرض گردیده. البته ابتداء پنجاه نماز تشریح گردید، ولی با درخواست پیغمبر صلی الله علیه و سلم به پنج نماز یومیه تبدیل شد و خداوند فرمود که در همین پنج نماز اجر پنجاه نماز را قرار خواهد داد.

یک و نیم سال قبل از هجرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم به مدینه، پروردگار با عظمت ما حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را به معراج بر گرفته به ملاقات خود شرفیاب گردانید، که در این وقت تحفه نماز پنج وقت را برای پیامبر صلی الله علیه و سلم عطاء فرمود. بعد از آن حضرت جبرئیل فرود آمد برای پیامبر صلی الله علیه و سلم اوقات و ترتیب ادای این نمازهای پنج گانه را آموخت.

## چرا نمیتوانیم نماز را بزبان مادری خود بجا آوریم؟

عدم بجا آوردن نماز بزبان مادری غیر عربی بر این مفهوم است که هدف نماز و ادای آن بزبان غیر عربی فاقد اهمیت شرعی است. مسلمان باید نماز را به زبان عربی و یا هم نماز خویش را به همان الفاظ و کلماتی بجا آورد، آنطوری که پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و سلم بجا آورده است.

برخی از علل و دلایلی که چرا ما نمیتوانیم نماز خویش را بزبان غیر آنچه به آن قرآن کریم نازل شده بجا آوریم ذیلاً تذکر خواهم داد:

### اول: نماز عبادت تعبدی و توقیفی به زبان عربی است:

این بدین معنا است که: شریعت اسلام هدایت فرموده است که نماز را باید به بزبان عربی بجا آوریم. از جانب دیگر باید گفت که حکمت و فلسفه و روح عبادت بر تسلیم و تعبد است، انسانی که می خواهد عبادت پروردگار را بجا آورد، باید آنرا طوری بجا آورد که پروردگار ما از ما توقع دارد.

اولتر همه و محتوای کلام درین بحث بسیار کهنه و تاریخی در اسلام است که آیا متن و یا هم معنای قرآن کریم مقدس است؟ آیا کسیکه قرآن کریم یا حتی بدون فهم معنای آن میخواند ثواب دارد یا معنای آنرا؟ جواب کاملاً واضح است که متن و معنای قرآن کریم هر دو مقدس است. و تلاوت نصوص شرعی به شکلی که نازل شده مقدس است و ثواب دارد. و اما مسأله نماز:

در حدیث متبرک آمده است « **صلوا کما رایتمونی اصلی** » ( حضرت پیامبر محمد (ص) میفرماید: **همانگونه که می بینید من نماز می خوانم ، نماز خوانید.** ) .

طبق آیات و روایات اسلامی و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز باید همان طوری خوانده شود که آنرا پیامبر بجا آورده و یا، نماز به همان شکل واجب شده است، اگر چه انسان می تواند در غیر اوقات نماز، با هر شکل و به هر زبانی که دلش میخواهد عبادت کند و با پروردگار خویش مصرف راز و نیاز گردد.

**طبیعی است که عدم توجه به خواست الهی و عمل کردن هر شخص بنا بر خواست خود، با روح تعبد و تسلیم سازگار نیست.**

## **دوم: نماز بمتابۀ رمز ایجاد وحدت جهانی بین مسلمانان بشمار میرود:**

خواندن نماز بزبان عربی و یا دقیق تر بگویم به همان طریقی که فرض گردیده، طریقه، راه و رسم پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم زمینه را برای، وحدت جهانی بین مسلمانان ایجاد مینماید. بجا آوردن نماز بزبان و رسم که فرض شده یعنی به زبان عربی بمتابۀ ایجاد زبانی مشترک میان همه پیروان اسلام و در نهایت وحدت و پیوند بین المللی دینی بین مسلمین بشمار میرود. تلاش برای از بین بردن چنین وحدت همان چیزی است که دشمنان اسلام در پی آن قرنهای تلاش دارند.

۱- زبان عربی زبان يك قوم نبوده، بلکه زبان عربی به متابۀ زبان دین برای ما مسلمانان دارای اهمیت بسزائی میباشد. آشنائی و تکلم و قرانت بزبان عربی، و بجا آوردن نماز بزبان قرآن و طریقه پیامبر صلی الله علیه و سلم بزبان عربی برای مسلمان امکان آنرا میدهد که با کلام الله (قرآن) هدایات پیامبر صلی الله علیه و سلم (سنت) رابطه مستقیم و دایمی داشته باشد.

تکم، سخن زدن و بجا آوردن نماز بزبان عربی سبب آن میشود که مسلمان نه تنها با کتاب الله و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم آشنائی مستقیم پیدا کند، بلکه به فهم زبان عربی میتواند با معارف دینی هر چه بیشتر دسترس پیدا کند.

۲- زبان عربی زبانی جامع ، بلیغ و غنی و در نهایت امر در برگیرنده لطایف و ظرایف بیانی می باشد که کمتر زبانی مروج انسانی از این گستردگی و جامعیت برخوردار است. یکی از لوازم زندگی مسلمانان و پیروان هر دینی گسترش زبان آن دین می باشد تا راحت تر با متون مورد علاقه خود آشنا شوند.

همچنان باید گفت که: زبان عربی را از لحاظ غنای معنوی و اصطلاحات آن، و از لحاظ مفاهیم و ساختار معنایی، بخصوص در عرصه معارف دینی، نمیتوان با دیگر زبانها در مقایسه قرار داد. از طرف دیگر بخش مهمی از نماز به قرانت سوره هایی از قرآن اختصاص دارد. در این سوره ها اعجاز وجود دارد که بشر توانمندی آنرا ندارد که با دقت و صحت کافی کلام الهی و حیاتی را به زبان دیگر ترجمه و آن کلمات را جایگزین متن اصلی و عربی نماید.

قابل به تذکر جدی میبینم که درک این مسأله اهمیت بسزائی دارد که باید دانست، در آنچه‌ای که شرع صراحت دارد جست و جوی دلایل عقلانی اضافی خواهد بود. با آن هم تلاش است تا جوانب منطقی دیگر که داخل فهم اسلامی است خدمت شما تقدیم گردد.

قرآن کلام الهی است، زبان قرآن زبان عربی است و این زبان از تنوع واژه و رسایی آن بی نهایت زبان غنی است - کلمات مترادف به مفهوم اصطلاحی در آن وجود ندارد و در نتیجه الفاظی که در قرآن مترادف به نظر می رسند هر یک حامل خصوصیتی است متمایز از یکدیگر که ترادف را از آن‌ها سلب می کند.

انتخاب واژه های عربی در قرآن با خصیصه اعجاز توأم است، به عبارت دیگر به جای لغتی که در قرآن کریم، مرادف با لغت دیگر به نظر می رسد، مُحال است لغت دیگری را به کار برد.

بطور مثال کلمه «خالق»، «بارئ»، «فاطر» در سوره های مختلفی از قرآن بکار رفته است، نمی توان خصوصیات آن‌ها را با تعبیر «آفریدگار» القاء کرد. از آن جا که خداوند متعال بر همه لغات از نظر آگاهی احاطه کامل دارد بهترین آن‌ها را در جای مناسب آورده است که این کار از عهده و توانایی بشر بیرون است... **به تعبیر برخی از علماء، ترجمه قرآن بسان استفاده از اندام مصنوعی بجای اندام طبیعی است، و هرگز نمی تواند با قرآن کریم هم سطح باشد.**

به همین علت هم عده ای از مفسرین حین ترجمه قرآن کریم کلمه تفسیر را استفاده می نمایند. بخاطر اینکه آنچه تحت نام تراجم قرآن کریم تا حال پیشکش شده در واقعیت تفاسیر قرآن کریم اند نه صرف ترجمه.

دور نمیرویم : آیا تا هنوز عالمی یافت شده که ترجمه ای دقیق ، جامع و معتبری از سوره حمد که همه روزه در نمازها تکرار می شوند بعمل آرد ؟ جواب واضح است نه خیر !

بیانید به ترجمه : « **بسم الله الرحمن الرحيم** » بحث خویش را آغاز کنیم.

« **بسم الله الرحمن الرحيم** » و ترجمه آن بزبان دري :

«شروع میکنم به نام خداوند بخشنده مهربان»

اگر ترجمه « **بسم** » « **بنام** » شود مشکلی نیست. اما « **الله** » قابل ترجمه نیست زیرا « **الله** » اسم **علم** (خاص) است برای خدا و اسم علم را نمیتوان ترجمه کرد.

بطور مثال اگر نام کسی « **شمس** » باشد شما نمیتوانید او را ( **آفتاب** ) صدا کنید. در این شکی نیست که ترجمه « **شمس** » **آفتاب** است. ولی کسی که نامش ( **شمس** ) است، اگر او را **آفتاب** صدا کنیم درست نیست و در نهایت خفه میشود.

کلمه الله اسم خاص است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می‌کنند، همان‌گونه که یهود خدای متعال را «یهوه» و زردشتیان «اهورا مزدا» می‌گویند. بنابراین نمی‌توان «الله» را ترجمه کرد، بلکه باید همان لفظ جلاله را به کار برد.

ترجمه کلمه «الرحمن» در بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه دریش چنین است :

(بخشاینده) با صراحت و حکم قطعی باید گفت که این ترجمه صد در صد مفهوم (الرحمن) را نمی‌رساند، زیرا «رحمن» یکی از صفات الله است که شمول رحمت و بخشندگی او را می‌رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست، یعنی در حقیقت رحمن یعنی الله که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می‌کند و همه را در مورد لطف و بخشندگی خود قرار می‌دهد از جمله آن که نعمت رزق و سلامت جسم و امثال آن عطا می‌فرماید.

ترجمه (الرحيم) در بسم الله الرحمن الرحيم بزبان دري

(الرحيم) ترجمه دریش میشود: (مهربان) (رحيم) کلمه ای از قرآنی و نام پروردگار است نباید آن را غلط معنی کنیم. اگر (رحيم) «بخشاینده» ترجمه شود معنای تقریباً خوبی خواهد بود، زیرا رحيم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می‌کند و صفت «بخشاینده» تا حدودی این معنی را می‌رساند. بنابر آنچه گفته شد معلوم شد که آنچه در ترجمه «بسم الله» آورده اید بد نیست ولی کامل نیست و از جهتی نیز در آن عدم دقت ها و به توجیه بالا اشتباهاتی هست.

با توجه به آنچه گذشت گفته می‌توانیم که: یکی از حکمت های مهم عربی بودن نماز این است: که با بجا آوردن نماز بزبان عربی فرهنگ قرآنی بزبان عربی و **وحياتی** در طول قرون و در میان نسل های پی درپی به خوبی انجام پذیرد و انتقال یابد.

مسلمانان باید در هر زمان و در هر مکان از طریق نمازهای پنجگانه ارتباط دائمی خود را با زبان دین حفظ نموده و به وسیله این اصل عناصر فرهنگ دینی را در میان خود حفظ نموده، آنرا به نسلهای بعدی منتقل سازند.

از طرف دیگر بوجود آمدن فرهنگ مشترک دینی و زبان مشترک دینی، دائمی در بین مسلمانان زمینه را برای این امر مهم و سترگ مساعد می‌سازد تا مسلمانان و جوامع اسلامی در حد اعلاي امادگی در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانه قرار داشته باشند. بدین اساس و نصوص ارانه شده گفته می‌توانیم که بجای آوردن نماز بزبان عربی در فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی مسلمانان نقش بسزایی دارد و هم در پایایی و پایداری فرهنگ و هویت دینی آنان کمک و مساعدت مینماید.

## سوم : باید تذکر دهم که پروردگار ما همینطور اراده فرموده است که:

دین مقدس اسلام و نام پیامبر صلی الله علیه و سلم تا که بشریت زنده است، زنده بماند، این هدف عظیم و سترگ صرف و صرف از طریق نماز که بزبان عربی بجا آورده شود امکان پذیر است و پس. علاوه بر آن که نماز به همین شکل، عبادت پروردگار است، موجب طراوت مکتب و احیای دین نیز میباشد.

شاید یکی از رموز خواندن نماز به زبان عربی و با دیگر شرایط و آداب، حفظ نماز بعد از قرن‌ها است، در حالی در ادیان دیگر، ارتباط دائمی و همیشگی که مسلمانان با خدای خویش دارند، وجود ندارد و این مسأله در تقویت ایمان بسیار مؤثر است.

اگر چه با توجه به دلایلی که ذکر کردیم نماز باید بزبان عربی خوانده شود، اما این بدان معنی نیست که انسان نتواند به هیچ زبان دیگری با خداوند سخن نگوید. انسان می تواند با هر زبانی که خواست در غیر نماز با خدا سخن گفته و با او راز و نیاز کند و دردها و نیازهای خود را با او در میان گذارد.

۱- چنانچه گفته آمدیم تأکید میدارم که ترجمه ها معمولاً بیانگر تمام مقاصد و معانی الفاظ ترجمه شده و متونی که ترجمه شده نیستند. و معمولاً تطبیق تمام عیار بین دو زبان و بودن اصطلاحات کاملاً معادل مشکل است و اختلاف در ترجمه ها خصوصاً در متون دینی بسیار شایع و متناسب با اختلاف برداشتها از یک متن دینی است. از سوی دیگر ترجمه حد دقیق و محدودی ندارد و همه لهجه ها و زبانها را در بر می گیرد.

هر لغت از خود تاریخ و تذکره دارد و بسیار مشکل است ابعاد معانی تمام لغات و اصطلاحات در همه زبانها عین پروسه را پیموده باشد. مثلاً در حال حاضر حتی در بین خود یک زبان هم چنین مشکل وجود دارد. مثلاً زبان انگلیسی انگلستان، زبان انگلیسی آفریقای جنوبی، زبان انگلیسی امریکا شمالی و ... در موارد در املاء و انشاء و مفاهیم لغات و اصطلاحات از هم فرق دارد. چه رسد به ترجمه یک زبان به زبان دیگر و آن هم بدون تفسیر بعضی مفاهیم و معانی بعضی لغات و اصطلاحات. تصور کنید خواندن نماز به زبان غیر از اصلاً نازل شده با این همه ملحقات و تفاسیر که ضرورت باشد به کجا خواهد انجامید.

۳- عبادات الهی برای انجام و بجا آوردن آن برای خود احکامی و هدایاتی دارند که نمیشود آنرا به اساس مصالح بشری و مصالح زبانی مطابق به عقل بشری خویش تعدیل و تغییر دهیم و عقل خویش را بر وحی آسمانی و راه و روش پیغمبر صلی الله علیه و سلم ملاک قرار دهیم. در قرآن عظیم الشان و عبادت اسلامی معجزه هائی وجود دارند که عقل قاصر بشریت تا هنوز توانمندی درک کلی آنرا نیافته است. در هر چیز و به خصوص به فرایض عبادتی الهی به عقل مراجعه کردن انسان را نه تنها به هدف نمیرساند، بلکه موجب فساد هم میگردد.

در خاتمه بحث با صراحت تام باید گفت: اولاً ما علت اصلی احکام را نمیدانیم و ثانیاً آنکه اگر ترجمه نماز بزبان مادری و از جمله بزبان (پشتو و دری) معمول گردد به یقین کامل پراکندگی و چند دستگی نه تنها در بین مسلمانان افغانستان بلکه در مسلمانان جهان ایجاد خواهد نمود. بجا آوردن نماز بزبان های مادری موجب آن خواهد شد، که نوعی از سر درگمی، آشفتگی و در نهایت امر را به حدی خواهد رسانید که معانی اصیل و دقیق قرآنی در خطر تحریف و گم شدن قرار گیرد. و در ضمن وحدت رویه و عامل وحدت در جامعه مسلمین به معرض خطر مواجه خواهد شد. به فهم و درک من عده برای این امر آگاهانه و عده ای هم نا آگاهانه کار میکنند.

در ضمن تجربه زندگی نشان داده، آنجا که دستها و سلیقه های انسانی در کارهای مختلف دخالت کرده است، آن را به صورت های مختلف در آورده و اصل خویش انحراف نموده است.

این تجربه را میتوان در مورد احکام و تکالیف دینی آدیان دیگر بخوبی مشاهده نمود . که همین انسان بنام نو آوری در دین چه بلانی را در شرایع آسماتی بمیان آورد ، و جوهر و حقیقت آنرا مسخ نموده و بحیث یک دین بی مفهوم برای جامعه بشری پیشکش نموده است . بطور مثال میتوان این نماز روز یکشنبه کلیسا نام برد .

- رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «من صلی صلاة لم یقرأ فیها بأَم القرآن فهي خداج، ثلاثاً، غیر تام» . (مسلم ۳۹۵، ۱/۲۹۶).

هرکس نماز بخواند و در آن سوره فاتحه را نخواند (این را بداند) که آن نماز ناقص و ناتمام می باشد ، و این مطلب را سه بار تکرار فرمودند.

۴ - در حدیثی قدسی ابوهریره - رضي الله عنه- روایت می کند که رسول الله- صلی الله علیه و سلم- فرمود: خداوند - عز و جل - بیان می دارد:

«قسمت الصلاة بینی وبين عبدی نصفین، فإذا قال: ( الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ) قال الله: حمدني عبدی، و إذا قال: ( الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ )، قال الله: أثنى عليّ عبدی، فإذا قال: (مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ)، قال الله: مجدني عبدی، وقال مرة: فوض إليّ عبدی، فإذا قال: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)، قال: هذا بینی وبين عبدی، ولعبدی ما سأل، فإذا قال: (اهدنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ)، قال الله: هذا لعبدی، ولعبدی ما سأل» . (مسلم ۳۹۵، ۱/۲۹۶).

» نماز را بین خود و بنده ام به دو بخش تقسیم کرده ام، پس هرگاه او بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، خداوند می فرماید: بنده ام مرا حمد و ستایش کرده است، و اگر بگوید: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»، خداوند می فرماید: بنده ام مرا ثنا کرده و بزرگ داشته است، و یک بار فرمود: بنده ام امورش را به من واگذار کرده است، و آنگاه که بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» خداوند می فرماید: این (رمز و پیمانی است) بین من و بنده ام، و هر آنچه که بنده ام بخواهد برایش مهیا شده و فراهم میباشد، و آنگاه که بگوید: «اهدنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، خداوند می فرماید: این از آن بنده ام است، و هر آنچه را که بنده ام بخواهد فراهم می گردد.

بر اساس آنچه گفته شد در صحیح ترین نظریات و گفته های دانشمندان و فقها ء آمده است که: خواندن سوره فاتحه در نماز واجب است، حال تفاوتی ندارد که در نمازهای جهریه باشد یا سریه. البته مذهب امام شافعی - رحمه الله - و سایرین نیز بر همین حکم می باشد.

مستحب است برای کسی که سوره فاتحه را میخواند در پایان آن ( آمین ) بگوید، که معنای آن چنین است: خداوندا! این دعاء و درخواستی را که در سوره فاتحه خواندم بپذیر و اجابت کن. رسول الله -صلی الله علیه و سلم- در این باره می فرماید: «إذا آمن الإمام فأمنوا فإنه من وافق تأمينه تأمين الملائكة غفر له ما تقدم من ذنبه» . (متفق علیه، البخاری، ۷۸۰، ۲/۲۶۲ فتح الباری، و مسلم ۴۱۰، ۱/۳۰۷).

» آنگاه که امام بگوید: آمین، شما نیز آمین بگویند، زیرا چنانچه کسی آمین گفتنش با آمین فرشتگان هماهنگ و همراه گردد، هر چه گناه در گذشته انجام داده است بخشیده خواهد شد.

همه دین در نماز خلاصه شده است و در حقیقت نماز تجلی واقعی دین است و به همین جهت گفته شد که هر کس اهل نماز نباشد اهل دینداری نیست و دیندار کسی است که قائم به نماز باشد.

خواندن فاتحه و درک معانی آن و تفکر در مضمون آن از مهمترین مقاصد نماز است و بهتر است آخر هر آیه وقف کردن امام مسلم از ابو هریره رضی الله تعالی عنه روایت میکند که شنیدم از پیغمبر صلی علی و علیه و سلم که خدای عز و جل فرمود: قرائت فاتحه در نماز بین خودم و بنده ام را به دو قسمت تقسیم کردم و برای بنده ام آنچه بخواد پس هر گاه بنده گفت **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** خداوند می فرماید: بنده من شکر و سپاس من به جا آورد و هر گاه که گفت **الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ** خداوند می فرماید: بنده ام ثنای من گفت و مرا ستود و هر گاه گفت **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** خداوند می فرماید بنده ام مرا بزرگ دانست و خود را به من سپرد و هر گاه گفت **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** خداوند می فرماید اینست بین من و بنده ام و برای اوست هر چه خواهد و هر گاه گفت: **إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**. صراط الدین أنعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین. خدا می فرماید این برای اوست آنچه می خواهد.

بنای هدف که در بجا آوردن عبادت نماز وجود دارد بجز بزبان عربی و بجز بطریقه پیامبر بزرگوار اسلام به هیچ زبان دیگری تحقق نمی یابد.

در صدر اسلام صحابه کرام که غالباً از کشور های مختلف بسوی اسلام رو آوردند بجز بزبان عربی به هیچ زبان دیگری بجا نیاورده اند. یعنی آن حالت و مطلب که در عصر محمد صلی الله علیه و سلم موجود بود و در آن عصر با وجود عین حالت روش دیگر استفاده نشده پس دلیل دینی و منطقی ندارد که آنرا به زعم و استدلال اینکه گویا آنچه را که میخوانیم باید بدانیم- تغییر داد.

بلی تعلم و فهم آیات قرانی و نصوص شرعی و فهم مفاهیم آن هدیای دینی بوده بر ماست تا از دین خویش معرفت داشته باشیم و تعالیم دینی داشته باشیم. این امر و ضرورت و حکم دین دلیل برای تغییر و نوآوری غیر شرعی در اسلام شده نمیتواند و نیست.

الهی ما را به راه راست هدایت فرما!

## ختم

نام مقاله: بحثی پیرامون نماز بزبان افغانی  
تتبع و نگارش: امین الدین (سعیدی)

مدیر مطالعات ستراتژیکی افغان

و مسؤول مرکز کلتوری "د حق لار - جرمنی"